Journal of Police Medicine

Spring 2016; Vol. 5, No. 1: 17-30

Original Article

The Relationship between Perception of Fathering with Object Relations and Defense Mechanisms

Received: 27 Juley 2015 **Revised:** 2 February 2016 **Accepted:** 10 January 2016

Fatemeh Rahmatian[1*]
Seyed Sepehr Hashemian[2]
Ahmad BorjAli[3]
Mojtaba Habibi[4]

[1]MSc, General Psychology, Allame Tabatabae University, Tehran, Iran.

[2]MSc, Clinical psychology, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

[3]Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology, Allameh Tabatabae University, Tehran, Iran.

[4]Assistant Professor, Family Research Institute, Faculty of Health Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background: This study investigated the association between Iranian university students' perception of their fathers and their object-relations and defense mechanisms.

Materials and Methods: Participants were 438 students between 18-22 years from Tehran Police Science University, who voluntary agreed to fill the Fatherhood Scale (Dick, 2004), *Bell object relation inventory(1986),* and defense mechanisms style, DSQ-40.

Results: Using stepwise regression indicated that positive Parental Engagement significantly would be able to predict ALN and mature defense mechanisms and immature defense mechanisms. Positive paternal engagement & negative paternal engagement significantly predict ALN and Mature defense mechanisms. And also, negative paternal engagement, can predict IA and ECG. The good provider role subscale of fathering scale would be able to predict of SI of object relation factors and of Neurotic defense mechanism. This subscale with negative paternal engagement can predict SI

Conclusion: As a result, current study emphasize that the critical role of fathering in forming object relation and defense mechanism during development. In this processing, fathering as a facilitator lead to appropriate representation of reality in child mental structure. So, he can practice proper object relations and mature defense mechanisms

Keywords: perception of fathering, object relations, defense mechanisms.

[*]**Corresponding Author:**
Fatemeh Rahmatian
Tel: (+98)9111366305
email: Malahat.Rahmatian@gmail.com

بهار ۱۳۹۵- دوره ۵- شماره ۱- صفحات ۳۰-۱۷

مجله طب انتظامی

مقاله تحقیقی

رابطه ادراک فرد از والدگری پدر با روابط موضوعی و مکانیسم‌های دفاعی

تاریخ دریافت: ۵ مرداد ۱۳۹۴ **تاریخ اصلاح:** ۱۳ دی ۱۳۹۴ **تاریخ پذیرش:** ۲۰ دی ۱۳۹۴

چکیده

فاطمه رحمتیان[1*]
سید سپهر هاشمیان[2]
احمد برجعلی[3]
مجتبی حبیبی[4]

[1]ارشناس ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
[2]کارشناس ارشد، روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
[3]دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
[4]استادیار، روان‌شناسی سلامت، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

[*]نویسنده مسئول:
فاطمه رحمتیان
تلفن: ۹۱۱۱۳۶۶۳۰۵(+۹۸)
پست الکترونیک:
Malahat.Rahmatian@gmail.com

مقدمه: در مطالعه حاضر نقش ادراک فرد از والدگری پدر در شکل گیری روابط موضوعی و مکانیسم‌های دفاعی مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش‌ها: تعداد ۴۳۸ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی تهران با بازه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال، داوطلبانه در این تحقیق شرکت کرده و پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. ابزارهای استفاده شده در این تحقیق، شامل مقیاس پدری دیک، پرسشنامه روابط موضوعی بل و پرسشنامه سبک‌های دفاعی بود.

یافته‌ها: استفاده از رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد، حضور مثبت پدر قادر به پیش‌بینی عامل بیگانگی روابط موضوعی و مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته و مکانیسم‌های دفاعی رشد نایافته است. حضور مثبت به همراه حضور منفی قادر به پیش‌بینی عامل بیگانگی و مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته است. حضور منفی پدر، قادر به پیش‌بینی از واریانس دل‌بستگی ناایمن از روابط موضوعی و همچنین واریانس عامل خود میان بینی است. همچنین عامل تأمین‌کنندگی مقیاس پدری قادر به تبیین عامل بی‌کفایتی اجتماعی و مکانیسم‌های دفاعی روان آزرده است که این عامل به همراه عامل حضور منفی پدر می‌تواند بی‌کفایتی اجتماعی را تبیین کند.

نتیجه‌گیری: نتیجه پژوهش حاضر، بر اهمیت شکل‌گیری روابط موضوعی و مکانیسم‌های دفاعی در تحول فرد، و نیز نقش اساسی پدر در جریان شکل‌گیری این تحول، صحه می‌گذارد. در این فرایند، والدگری پدر به‌عنوان تسهیل‌کننده فرایند، منجر به ایجاد بازنمایی درستی از واقعیت در ساختار روانی فرزند شده، و او را به سمت سطوح مناسبی از روابط بین فردی و دفاع‌های پخته‌تر سوق می‌دهد.

کلید واژه‌ها: ادراک از والدگری پدر، روابط موضوعی، مکانیسم‌های دفاعی.

مقدمه

روانشناسان همواره در پی کشف این بوده اند که گذشته افراد به چه نحو رفتار و روابط کنونی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله مسائلی که به‌طور سنتی در روانکاوی مطالعه شد، مسائل ارتباطی از قبیل روابط فرزند با والدین در طی دوره ادیپی بوده است. می‌توان گفت نظریه پردازان روابط موضوعی، شکل گیری و تفکیک اولیه ساختارهای روان شناختی (تصویر درونی خود و دیگری یا همان موضوع) و چگونگی ظهور این ساختارهای درونی در موقعیت بین شخصی را مورد بررسی قرار می دهند. نظریه پردازان روابط موضوعی، با تمرکز بر روابط اوایل زندگی و اثرات و بقایای دیرپای آن بر روان فرد به‌مثابه روابط موضوعی درونی، بر ادراکات فرد از خود و روابط او با افراد دیگر تأکید می کنند [۱]. فرض اساسی رویکرد روابط موضوعی به شخصیت این است که تصاویر اولیه خود، دیگران و محیط بیرونی در درون روان حفظ می‌شوند و چگونگی

Journal of Police Medicine
Spring 2016; Vol. 5, No. 1: 17-30

دریافت و پاسخ دادن فرد به دیگران را شکل می‌دهند. نظریه‌پردازان روابط موضوعی در بررسی خود در مورد این‌که چگونه پس‌مانده‌های درونی شده روابط گذشته (اغلب تصاویر تحریف‌شده از واقعیت) که در ابتدا زندگی تشکیل شده‌اند، حفظ می‌شوند و متعاقباً در روابط کنونی فرد خود را نشان می‌دهند. این دیدگاه به‌طورکلی پذیرفته شده است که ویژگی‌های خانوادگی مانند نقش‌های خانوادگی، الگوهای ارتباطی و فضای هیجانی شدیداً بر رشد عملکرد فرد تأثیر می‌گذارد [۲]. اهمیت تجارب اولیه کودک و تأثیر روابط والد کودک بر رشد شخصیتی و اجتماعی شدن کودک نخستین بار در نظام فروید مطرح شد و بر همه پژوهش‌های بعدی رشد کودک به‌طور عام و روابط والد کودک به‌طور خاص تأثیرگذار بوده است. این باور فروید به اینکه پدر نقش خاصی را در رشد روانی کودک ایفا می‌کند و اینکه این تأثیر باید در چارچوب وسیع‌تر اجتماعی بررسی شود، در طی ۴۰ سال اخیر پژوهش‌های رابطه پدر- کودک را تحت تأثیر قرار داده است [۳].

در نظریات روابط موضوعی، پدر به‌عنوان یک فرد ثانویه و خارجی در نظر گرفته شد که در درجه نخست رابطه مادر- کودک را حفظ می‌کند، سپس وارد آن رابطه شده و ارتباط خود را با کودک شکل می‌دهد. در حقیقت پدر با به عهده گرفتن نقش «دیگریِ دوم»، زمینه احساس امنیت در جهت دور شدن از وابستگی به مادر را برای کودک فراهم می‌سازد [۴]. همچنین پدر با ایجاد نوعی کشش و جاذبه، کودک را با دنیای واقعی که دربرگیرنده افراد، اشیاء و موضوعات گوناگون است، آشنا می‌سازد [۵]. در این رابطه، گادینی (۱۹۷۹) از پدر تحت عنوان موضوع ثانوی یاد می‌کند، در این حالت، پدر اولین موضوعی است که از دنیای بیرونی وارد جهان درونی کودک می‌گردد. این فرآیند اهمیت فوق‌العاده‌ای در دستیابی به شبکه روابط موضوعی کامل دارد [۶]. از طرف دیگر، یکی از کارکردهای اولیه روابط موضوعی تنظیم درون فردی تجربه‌های عاطفی است، افراد به دنبال حمایت‌های اجتماعی برای کنار آمدن با استرس‌های عاطفی هستند.

با توجه به اینکه تنیدگی به ایجاد تنش و برانگیختگی هیجانی و روانی در فرد منتهی می‌شود، شخص می‌کوشد تا به طریقی تنیدگی را کاهش دهد. در نظریه روان تحلیلگری عقیده بر آن است که افراد برای مقابله با اضطراب از راهبردهای ناهشیار یعنی مکانیسم‌های دفاعی به‌وفور استفاده می‌کنند [۷]. در نظریه روان تحلیل گری کلاسیک مکانیسم‌های دفاعی به‌عنوان نیروهای مخالف در برابر تکانه‌ها و سائق‌های غریزی تعریف شده‌اند [۸و۹]. مکانیسم‌های دفاعی نقش مهمی در فهم پاسخ‌های مختلف به تنیدگی محیطی دارند. دفاع‌ها رابطه بین «خود»؛ «شیء»، فکر و عاطفه را دگرگون می‌کنند و هر عمل شناختی به‌صورت تقلایی برای تنظیم عاطفی است در روابط است [۱۰].

بررسی‌های متعددی از این فرض حمایت کرده‌اند و در تحقیقات مشخص‌شده است که سلامت جسمی و روانی افراد به‌طور معناداری با مکانیسم‌های دفاعی آن‌ها در ارتباط است [۱۱]. عده‌ای از نظریه‌پردازان روابط موضوعی از جمله لاپلانچ و پلانتین (۱۹۷۳) و کوهات (۱۹۸۴) تأکید می‌کنند که عملکرد مکانیسم‌های دفاعی حفظ و نگهداری روابط موضوعی است که بدون آن‌ها فرد دچار اضطراب خواهد شد.[۱۳ و ۱۲]. آنچه این دفاع‌ها را به‌عنوان قسمتی از عملکرد من می‌سازد، بازنمایی شی و رابطه بین دنیای بیرونی و پروسه‌های درون روانی است [۱۴]. چراکه در روابط موضوعی در بزرگ‌سالی است در واقع بازنمایی‌های درونی شده کودکی از والدین است که بار دیگر زنده شده‌اند. بنا بر آنچه وصف آن رفت درک صحیح از عوامل تأثیرگذار بر فرآیند شکل‌گیری روابط موضوعی و مکانیسم‌های دفاعی بسیار حائز اهمیت می‌نماید. یکی از این عوامل مهم که بر شکل‌گیری این تحول رشدی مؤثر باشد، تجارب اولیه فرد با والدین خود می‌باشد؛ چراکه روانشناسان معتقدند که روابط والد -فرزندی بر رشد افراد بسیار مؤثر است. طی چند دهه اخیر جامعه روانشناسی بیش از پیش بر نقش پدران بر حیات روانی کودکان تمرکز نموده است که این امر نیز خود ناشی از تغییرات جامعه مدرن می‌باشد. تغییر الگوهای ازدواج و طلاق، ورود زنان و مادران به عرصه‌های شغلی و اجتماعی، گسترش جنبش‌های زنان با تأکید بر تساوی حقوق و افزایش حضور مردان در زندگی خانوادگی پرسش‌های گوناگونی را در زمینه تأثیرات مثبت و مخرب پدران بر زندگی فرزندان برانگیخته است [۱۲]. نتیجه این پرسش‌ها شواهد روزافزون مبنی بر اهمیت ویژه تأثیر رفتارهای پدران بر بهبودی و رشد کودکان و گذار آن‌ها به دوران بزرگ‌سالی بوده است. با توجه به این‌که نوع تعاملات پدر- کودک با نوع تعاملات مادر- کودک متفاوت است و به همین دلیل جنبه‌های دیگری از رشد را در کودک برمی‌انگیزد [۱۵]. با توجه به مطالب فوق بررسی نقش پدر در فرآیند شکل‌گیری روابط موضوعی افراد در بزرگ‌سالی از چند جهت حائز اهمیت می‌باشد:

نخست آنکه با وجود آگاهی نسبی تأثیر پدر بر جنبه‌های متفاوت تحولی کودک، هنوز هم در این حوزه ابهاماتی وجود دارد؛ به‌طور مشخص ماهیت نقش پدر به‌عنوان تسهیل‌کننده فرآیند شکل‌گیری روابط موضوعی به‌طور کامل شناخته نشده است. مطالعات اندکی به این موضوع پرداخته‌اند که کدام نوع بودن پدر است که نقش تسهیل‌کنندگی دارد.

مجله طب انتظامی
بهار ۱۳۹۵- دوره ۵- شماره ۱- صفحات ۳۰-۱۷

دوم اینکه بسیاری از پژوهش‌ها بر روی نوع بودن پدر در فرایند رشدی کودک بر اساس مشاهده مستقیم کودکان بنا شده است. اشکال عمده چنین مطالعاتی این است که از یکسو تا حد زیادی در معرض سوگیری پژوهشگر قرار داشته و از سوی دیگر تجربه منحصربه‌فرد و خاص هر فرد را نادیده می‌گیرد. در پژوهش حاضر با مطالعه افراد بزرگ‌تر که خود توانایی گزارش دهی تجربه درونی خود را دارند تلاش شده تا تجارب ویژه افراد در خلال رشد ملاک سنجش قرار گیرد.

سوم اینکه هرچند پژوهش‌هایی به بررسی فرآیند روابط موضوعی، شناسایی عوامل مؤثر و تأثیرات آن بر ابعاد مختلف اجتماعی، روانی رشد در جوامع غربی پرداخته‌اند تعمیم یافته‌های آنان به فرهنگ ایرانی دشوار می‌نماید چراکه تفاوت‌های فرهنگی، تفاوت در نظام ارزش‌ها، رفتارهای اجتماعی، ساختار خانوادگی و بالاخره تفاوت در تعاملات خاص خانواده ایرانی غیرقابل چشم‌پوشی است. در فرهنگی که از تأکید بر ارزش‌های وابستگی در گستره زندگی، ابهام نقش زوجین در خانواده، برزخ بین پدرسالاری و فرزند سالاری و تعارضات ادیپی رنج می‌برد نه‌تنها جوانان آن در گذار از وابستگی به استقلال با مشکلاتی مواجه می شوند بلکه احتمال می رود سطوح بهینه شکل‌گیری روابط موضوعی در آن‌ها نیز متفاوت باشد.

در آخر با در نظر گرفتن اینکه خصوصیات پدری بیش از مادری وابسته به فرهنگ است [۱۷ و ۱۶]، کوشش جهت بررسی الگوهای تعاملی پدر ایرانی با فرزندان خود حائز اهمیت می باشد. لذا طرح‌ریزی پژوهش‌های جدید بر اساس ویژگی‌های بومی، فرهنگی و ساخت خانواده ایرانی به‌منظور دریافت تصویر روشن‌تر از آنچه برای فرزندان این مرزوبوم رخ می‌دهد ضروری می‌باشد.

با وجود اینکه از دیدگاه تئوری، نقش پدر به‌عنوان اولین موضوع بیرونی یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری روابط موضوعی بعدی فرد–همانگونه که پیش‌تر گفته شد یکی از مهم‌ترین تکالیف رشدی در طی دوران تحول به شمار می‌رود– بحث شده است، هنوز اطلاعات اندکی راجع به ارتباط روابط موضوعی افراد در بزرگ‌سالی و نحوه بودن پدر وجود دارد. این سؤال مطرح است که در افرادی که پدر را در طی دوران رشد داشته‌اند کدام‌یک از خصوصیات پدر در شکل‌گیری روابط موضوعی آن‌ها ارتباط داشته است. تحقیقات تجربی معدودی از دیدگاه روابطشی به بررسی این رابطه پرداخته‌اند. چندین مطالعه در حوزه روابط شیء بر رابطه معنادار مشارکت و درگیری پدر با پیامدهای مثبت روان‌شناختی، حتی پس از کنترل نقش مادر، صحه گذاشته‌اند. در چند دهه گذشته نظریات روابط موضوعی در حیطه نظریات روان تحلیل گری، توجه خود را بر شکل‌گیری و تفکیک اولیه ساختارهای روان‌شناختی (انگاره‌های درونی خود و دیگری یا همان موضوع) و چگونگی ظهور این ساختارهای درونی در موقعیت‌های بین شخصی، معطوف ساخته‌اند [۱۸]. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، فقدان پدر می‌تواند به شکل آسیب‌زایی بر ساختار و شکل‌دهی شبکه روابط موضوعی تأثیر بگذارد [۱۹]، وجود نوعی ارتباط دوسوگرایانه میان پدر و فرزند، می‌تواند واکنش کودک نسبت به خود و دنیای درونی او را در سراسر زندگی، عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد [۲۰]. از سوی دیگر، نقش پدر به‌عنوان اولین موضوع بیرونی یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری روابط موضوعی بعدی فرد ویکی از مهم‌ترین تکالیف رشدی در طی دوران تحول به شمار می رود که می توان انتظار داشت این مسئله، تحول‌یافتگی شخصیت و ظرفیت‌های «من» را تحت تأثیر قرار داده و این موضوع سازش یافتگی فرد را در گستره تحول به‌گونه‌ای شکل داده که بروز سبک‌های دفاعی ناپخته و سازش نایافته را محتمل می‌سازد. در این رابطه، حضور پدر اهمیت ویژه‌ای در تثبیت پایه‌های کارکردهای من همچون واقعیت سنجی، کنترل تکانه، ثبات خلق، تمایز میان خود و دیگران، دست یافتن به میزانی از جرئت‌مندی برای برقراری رابطه صمیمی با دیگران بر عهده دارد [۴].

بنا بر آنچه وصف آن رفت و اهمیت بررسی نخستین تعاملات والد– کودک، و با توجه به این که یک رابطه سالم مستلزم به‌کارگیری مکانیسم‌های دفاعی پخته‌تر است تا هم کیفیت و هم کمیت رابطه تضمین شود، شیوه پدری در شکل‌دهی فرآیند روابط موضوعی می‌تواند نقش به سزایی داشته باشد که اشکال در روند آن، اشکالات جدیدی در خلال رشد ایجاد می کند، پژوهش جهت دریافت و درک بیشتر این پدیده مهم رشدی بایسته می نماید. بنابراین در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن نقش رابطه نخستین کودک با دنیای اطراف، به بررسی نقش پدری در فرآیند شکل‌گیری روابط موضوعی و مکانیسم‌های دفاعی پرداخته خواهد شد.

مواد و روش‌ها

جامعه آماری پژوهش حاضر توصیفی– همبستگی کلیه دانشجویان ۱۸ تا ۲۴ ساله مقطع کارشناسی تشکیل می‌دادند، که از میان آن‌ها ۴۳۸ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی تهران در سال تحصیلی ۹۲–۹۳ به‌صورت خوشه‌ای انتخاب شدند و از آن‌ها خواسته شد به‌طور داوطلبانه پرسشنامه‌ها را تکمیل نمایند. این سن به‌طور قراردادی به‌عنوان اواخر نوجوانی شناخته شده است (بلاک، ۱۹۹۵). به لحاظ جنسیت، ۲۹۲ نفر پسر و ۱۴۶ نفر دختر بودند. از نظر جمعیت شناختی، بیش از ۹۰ درصد شرکت‌کننده‌ها مجرد، فاقد سابقه بیماری های روان پزشکی و فرزند آخر خانواده دارای سه فرزند می‌باشند. ۸۰.۸ درصد از مادران گروه مورد مطالعه خانه‌دار و ۲۹.۷ درصد از پدران دارای مشاغل آزاد هستند. مادران دارای دیپلم و

Journal of Police Medicine
Spring 2016; Vol. 5, No. 1: 17-30

پدران دارای دیپلم و لیسانس بیشترین فراوانی را در این گروه داشته‌اند و بیش از ۵۰ درصد از خانواده‌ها درآمد زیر یک میلیون تومان داشته‌اند. فرضیه‌های پژوهش حاضر با آزمون‌های آماری همبستگی و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام بررسی گردید.

ابزارهای استفاده‌شده در این تحقیق شامل:

پرسشنامه روابط موضوعی بل (BORI): پرسشنامه روابط موضوعی بل [۲۱] بخشی از پرسشنامه ۹۰ گزینه‌ای روابط موضوعی و واقعیت سنجی بل (BORRTI) است که نوعی ابراز خود گزارش‌دهی برای ارزیابی ابعاد روابط موضوعی به شمار می‌رود. این پرسشنامه هم برای جمعیت بالینی و هم غیر بالینی استاندارد شده است و در پژوهش‌های بسیاری در حوزه روابط بین فردی و در تشخیص و پیش بینی آسیب شناسی روانی بکار رفته است، پرسشنامه روابط موضوعی بل دارای ۴۵ ماده است که به‌صورت صحیح و غلط به آن پاسخ داده می‌شود و از طریق چهار خرده مقیاس ارزیابی دقیق و معتبری از روابط موضوعی ارائه می‌دهد که این خرده مقیاس‌ها عبارت‌اند از: بیگانگی (ALN)، دل‌بستگی ناایمن (IA)، خودمیان بینی (EGC)، بی کفایتی اجتماعی (SI).نحوه پاسخگویی به پرسشنامه به این نحو است که بر مبنای راهنمای ارائه‌شده آزمودنی برای هریک از سؤالات پاسخ صحیح یا غلط را انتخاب می‌کند، برحسب کلید پرسشنامه، گزینه صحیح نمره یک می‌گیرد و برای برخی دیگر گزینه غلط نمره یک می‌گیرد، جمع نمرات سؤالات مربوط به هر خرده مقیاس نمره رد را در هریک از آن‌ها مشخص می‌سازد [۲۲].

بل و همکاران (۱۹۸۶)، درباره پایایی و روایی این پرسشنامه گزارش نمودند که این ابزار از این جهت که قادر به تفکیک جمعیت بالینی می‌باشد، از درجه بالایی از اعتبار تفکیکی برخوردار می‌باشد و همچنین از لحاظ همبستگی بالای آن با دیگر ابزارهای سنجش آسیب‌پذیری روانی، اعتبار همزمان قابل قبولی را برای آن برآورد نموده‌اند. برآورد همسانی درونی گزارش‌شده از طریق ضریب آلفا و ضریب دونیمه سازی اسپیرمن براون، برای چهار خرده مقیاس روابط موضوعی در دامنه‌ای میان ۰/۷۸ تا ۰/۹ گزارش شده است [۲۳]. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای این تست ۰/۷۵ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ): پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ) رفتار دفاعی را به‌وسیله ارزیابی تجربی مشتقات هشیار مکانیسم‌های دفاعی در زندگی روزمره مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه بر اساس الگوی سلسله مراتبی دفاع‌ها ساخته شده است [۲۴]. نسخه جدید (DSQ – 40) توسط آندروز و همکاران در سال ۱۹۹۳ تدوین گردید که شامل ۴۰ سؤال در مقیاس نه درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است و ۲۰ مکانیسم دفاعی را در سه سطح رشد یافته، روان آزرده، رشد نایافته مورد ارزیابی قرار می‌داد، آندروز و همکاران برای اصلاح پرسشنامه قبلی ملاک‌های متعددی را برای ارزیابی روایی سازه و روایی ملاک و اعتبار هر ماده در نظر گرفتند و در نهایت همبستگی بین عامل‌های رشد یافته، روان‌آزرده‌وار و رشد نایافته در بازآزمایی به ترتیب ۰/۹۷، ۰/۹۳، ۰/۹۵گزارش گردید. ضریب آلفای مکانیسم‌ها و سبک‌های دفاعی بین ۰/۸۰ تا ۰/۳۲ و همبستگی بین دو بار اجرا بین ۰/۸۵ تا ۰/۳۸ گزارش گردید. پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ – 40) در ایران نیز توسط حیدری نسب و همکاران(۱۳۸۵) مورد بررسی و هنجاریابی قرار گرفت. اعتبار پرسشنامه سبک‌های دفاعی نیز از طریق روش بازآزمایی و نیز محاسبه آلفای کرونباخ انجام شده است. ضریب اعتبار و آلفا در گروه‌های مطالعه به تفکیک در دانش آموزان و دانشجویان و جنسیت گروه نمونه‌گیری و نیز سبک‌های دفاعی نشان می‌دهد بالاترین آلفای کلی در مردان دانشجو (۰/۸۱) و پایین‌ترین آلفای کل در دانش آموزان دختر(۰/۶۹) مشاهده می‌شود. در سبک‌های دفاعی، بالاترین آلفا مربوط به سبک رشد نایافته (۰/۷۲) و کمترین مربوط به سبک روان‌آزرده‌وار می‌گردد (۰/۵۰). همچنین بالاترین آلفای بین دونیمه به مردان دانشجو و کمترین به سبک روان‌آزرده‌وار مربوط می‌شود. همه همبستگی‌های مربوط به دو بار اجرای پرسشنامه در گروه‌های مورد مطالعه در مقایسه با مقادیر بحرانی معنادار هستند. بر اساس این یافته، مشخص گردید پرسشنامه سبک‌های دفاعی در گروه‌های مورد مطالعه از اعتبار مناسبی برخوردار است [۲۵]؛ و در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۴ به دست آمد.

مقیاس پدری (FS): فرم انگلیسی مقیاس پدری که توسط دیک (۲۰۰۴) تدوین شده است، دارای نه خرده مقیاس می‌باشد. این مقیاس دارای ۶۴ آیتم به شکل جملات توصیفی است که چهار حوزه را اندازه می‌گیرد: وقایع واقعی که در رابطه با پدر آزمودنی اتفاق افتاده است، ادراک آزمودنی از پدر خویش، احساس آزمودنی نسبت به پدر خویش و پاسخ‌دهی عاطفی پدر.

با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در نمونه ۳۱۱ نفری دیک در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد به‌دست‌آمده در فرم انگلیسی بالا است. همبستگی درونی در هر خرده مقیاس بین ۰/۸۰ الی ۰/۹۶ می‌باشد و هفت خرده مقیاس همبستگی درونی بیش از ۰/۸۵ نشان داده‌اند. خطای استاندارد اندازه‌گیری نیز در خرده مقیاس‌های مختلف بین ۰/۳۲ و ۰/۸۳ متغیر است. مقادیر آلفای به‌دست‌آمده حاکی از همسانی درونی مناسب می‌باشد [۲۶].

مجله طب انتظامی
بهار ۱۳۹۵- دوره ۵- شماره ۱- صفحات ۳۰-۱۷

فرم ایرانی مقیاس پدری که در این پژوهش که توسط فامینی (۱۳۹۱) به فارسی برگردانده و اعتباریابی شد، دارای ۵۳ ماده به شکل جملات توصیفی است. آزمودنی باید برحسب ادراکی که از رابطه با پدر خود در طی دوران رشد دارد، پاسخ‌هایش را بر روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از هیچ‌گاه تا همیشه درجه‌بندی کند. برخی از مواد، معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و نمرات بالاتر بیانگر درگیری مثبت‌تر پدر می‌باشد. نمرات زیر ۱۰۶ نشان می‌دهد که در نظر آزمودنی پدر به‌ندرت با رفتارهای مثبت با فرزند خود رابطه داشته، درحالی‌که نمرات بالاتر از ۲۱۲ حاکی از تصویر پدری است که در تعامل مثبت با فرزند خود بوده است [۲۷].

مقیاس پدری در ایران نیز توسط فامینی و همکاران مورد بررسی و هنجاریابی قرار گرفت [۲۷]. مراحل هنجاریابی به‌طورکلی بعد از برگردان پرسشنامه به زبان فارسی و رفع نواقص آن به لحاظ ادبی در دو بخش روایی و پایایی پیگیری شد. برای به دست آوردن اعتبار سازهای تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه اصلی مورد استفاده قرار گرفت و نتایج حاکی از وجود چهار عامل بود که در مجموع قادر به توجیه ۴۸/۲۲۴ درصد واریانس بودند. آلفای کرونباخ مقیاس پدری در پژوهش نیز برابر با ۰/۹۶ به دست آمد و این مقدار برای خرده مقیاس پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی۰/۹۶، برای حضور مثبت پدر ۰/۸۵، تأمین‌کنندگی ۰/۶۷ و برای حضور منفی پدر ۰/۷۹ می‌باشد [۲۷].

در پژوهش فامینی با استفاده از روش آزمون- بازآزمون، ضریب پایایی مقیاس پدری در فاصله زمانی دو هفته، ۰/۹۲ به‌دست‌آمده و ثبات خرده مقیاس‌های پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی، حضور مثبت، تأمین‌کنندگی و حضور منفی پدر به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۵ ، ۰/۸۴ و ۰/۸۸بوده است.

در گام نخست پس از کسب معرفی‌نامه و مجوزهای لازم در خصوص مطالعه و کسب موافقت اساتید کلاس های منتخب، مشارکت و همکاری شرکت‌کننده‌ها جلب و پرسشنامه‌های مربوط به مطالعه، پیش از کلاس در اختیار دانشجویان قرار گرفت. هر سری پرسشنامه شامل یک دستورالعمل بود که در آن ملاحظات اخلاقی مربوط به پژوهش ذکر شده است. جهت تکمیل هر سری پرسشنامه بین ۳۰ الی ۴۵ دقیقه زمان لازم بود لذا به‌منظور خنثی کردن اثر خستگی، توالی پرسشنامه‌ها به‌صورت تصادفی قرار گرفت. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از سن ۱۸-۲۴ سال، رضایت برای شرکت در مطالعه، در قید حیات بودن هر دو والد و زندگی با هر دو والد از بدو تولد تاکنون. افرادی که یک یا هر دو والد آن‌ها در قید حیات نبوده یا والدین آن ها در طی دورانی از رشد به دلیل متارکه، مسافرت، شرایط شغلی یا نظایر آن برای مدتی دور از آزمودنی بودند از مطالعه خارج شدند.

در گام نخست، مطالعه بر روی نمونه ۳۰۰ نفری اجرا شد. جهت انجام تحلیل عاملی یکی از مسائل مهم حجم نمونه است. هرچند که نظرات متفاوتی در مورد بهترین حجم نمونه وجود دارد، اما یکی از نقطه نظرات متداول دراین‌باره که توسط کمری و لی (۱۹۹۲) توصیه شده عبارت است از اینکه حجم نمونه ۵۰ خیلی ضعیف، ۱۰۰ ضعیف، ۲۰۰ مناسب، ۳۰۰ خوب، ۵۰۰ خیلی خوب و ۱۰۰۰ را عالی ارزیابی می شود. همچنین تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷) خاطرنشان می کنند که برای به دست آوردن نتایج معنی دار تحلیل عاملی، حداقل حجم نمونه ۳۰۰ مورد لازم است. هم‌چنین ازآنجاکه اساس این پژوهش همبستگی است، تعداد حداقل ۱۰۰ الی ۲۰۰ آزمودنی برای هر منظوری کفایت می‌کند [۲۸].

در گام دو پس از انجام مراحل لازم، نمونه اصلی پژوهش متشکل از ۱۰۰ دانشجو (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه پژوهش با توجه به ادبیات پیشین و تعداد متغیرها، حجم نمونه، به ازای هر متغیر پنج الی ۱۰ عدد انتخاب شد.

یافته‌ها

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می شود، خرده مقیاس حضور مثبت پدر با عامل بیگانگی روابط موضوعی رابطه معنادار منفی دارد، به‌طوری‌که با افزایش نمره حضور مثبت پدر، نمره عامل بیگانگی در مقیاس روابط موضوعی کاهش می یابد. از طرف دیگر عامل تأمین‌کنندگی با خرده مقیاس بی‌کفایتی اجتماعی همبستگی مثبت دارد، به این معنا که با افزایش نمره تأمین‌کنندگی، نمره بی‌کفایتی

جدول ۱: ضرایب همبستگی پیرسون بین عوامل مقیاس پدری و مؤلفه‌های روابط موضوعی

متغیر	M	SD	بیگانگی	دل‌بستگی ناایمن	خود میان بینی	بی‌کفایتی اجتماعی
پاسخ‌دهی عاطفی مثبت و نقش اخلاقی	۵۸/۹۴	۳۶۵/۵۷	-۰/۰۷ (P=۰/۰۶)	۰/۰۱۵ (P=۰/۰۷)	۰/۰۳۶ (P=۰/۰۷)	۰/۰۱۹ (P=۰/۰۸)
حضور مثبت	۲۲	۴/۴۱	-۰/۱۱۶ (P=۰/۰۳)	-۰/۰۵۵ (P=۰/۱)	-۰/۰۸۴ (P=۰/۰۸)	۰/۰۱۸ (P=۰/۰۹)
تأمین‌کنندگی	۱۵/۴۶	۶/۹۸	۰/۰۲۹ (P=۰/۱۱)	۰/۰۳۱ (P=۰/۰۸)	۰/۰۸۳ (P=۰/۰۶)	۰/۱۳۲ (P=۰/۰۰۷)
حضور منفی	۱۸/۴۴	۵/۳۱	۰/۲۴۱ (P=۰/۰۰۶)	۰/۱۰۸ (P=۰/۰۳)	۰/۱۶۷ (P=۰/۰۰۷)	۰/۱۸۱ (P=۰/۰۳)
نمره کلی	۱۳۷/۰۶	۵۵/۱۱	۰/۲۲- (P=۰/۰۶)	۰/۰۲۸ (P=۰/۰۸)	-۰۲۵/۰ (P=۰/۰۷)	۰/۰۰۲ (P=۰/۰۸)

Journal of Police Medicine
Spring 2016; Vol. 5, No. 1: 17-30

جدول ۲: ضرایب همبستگی پیرسون بین روابط موضوعی و سبک‌های دفاعی

متغیر	M	SD	بیگانگی	دلبستگی نا ایمن	خود میان بینی	بی کفایتی اجتماعی
رشد یافته	۴۲/۱۹	۸/۷۴	−۰/۱۵۰ (p = ۰/۰۰۸)	−۰/۱۹۹ (p = ۰/۰۰۷)	۰/۰۶۵	−۰/۱۲۶ (p = ۰/۰۳)
روان آزرده	۴۴/۲۰	۹/۴۴	۰/۰۱۵	۰/۰۳۵	۰/۰۸۵	۰/۰۰۴
رشد نایافته	۱۱۹/۸۶	۲۰/۲۹	۰/۱۸۷ (p = ۰/۰۰۸)	۰/۱۵۳ (p = ۰/۰۰۵)	۰/۲۶۶ (p = ۰/۰۰۵)	۰/۱۲۳ (p = ۰/۰۴)

جدول ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام عوامل مقیاس پدری جهت پیش‌بینی عوامل روابط موضوعی

بیگانگی

متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	ADJ. R^2	S.E	B	β	T	sig
				مدل ۱				
حضور مثبت	۰/۱۱۶	۰/۰۱۳	۰/۰۱۱	۰/۰۸۶	−۰/۱۹۵	−۰/۱۱۶	−۲/۲۷	۰/۰۲۴
				مدل ۲				
حضور مثبت				۰/۰۸۴	−۰/۱۳۷	−۰/۰۸۱	−۱/۶۲	۰/۱۰۵
حضور منفی	۰/۲۵۵	۰/۰۶۵	۰/۰۶	۰/۰۶۹	۰/۳۱۶	۰/۲۲۹	۴/۵۷	۰

دل‌بستگی ناایمن

متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	ADJ. R^2	S.E	B	β	T	sig
حضور منفی	۰/۱۰۸	۰/۰۱۲	۰/۰۰۹	۰/۰۴۳	۰/۰۲	۰/۰۹	۲/۱۱	۰/۰۳۵

خود میان بینی

متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	ADJ. R^2	S.E	B	β	T	sig
حضور منفی	۰/۱۶۷	۰/۰۲۸	۰/۰۲۵	۰/۰۴۲	۰/۱۴۹	۰/۱۶۷	۳/۳۱	۰/۰۰۱

بی‌کفایتی اجتماعی

متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	ADJ. R^2	S.E	B	β	T	sig
				مدل ۱				
تأمین‌کنندگی	۰/۰۱۸	۰	−۰/۰۰۲	۰/۰۱۳	−۰/۱۹۵	۰/۰۱۸	۰/۳۸۳	۰/۷۲۴
				مدل ۲				
تأمین‌کنندگی				−۰/۰۳۱	−۰/۱۳۷	−۰/۰۴۲	−۰/۸۰۱	۰/۴۲۴
حضور منفی	۰/۱۸۵	۰/۰۳۴	۰/۰۲۹	۰/۱۴	۰/۳۱۶	۰/۱۹۴	۳/۶۵	۰

مجله طب انتظامی
بهار ۱۳۹۵- دوره ۵- شماره ۱- صفحات ۳۰-۱۷

جدول ٤: خلاصه تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام عوامل مقیاس پدری جهت پیش‌بینی مکانیسم‌های دفاعی

متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	ADJ. R^2	S.E	B	β	T	sig
مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته								
				مدل ۱				
حضور مثبت	۰/۱۰۴	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸	۰/۱۰۳	۰/۲۰۹	۰/۱۰۴	۲/۰۳	۰/۰۴۳
				مدل ۲				
حضور مثبت				۰/۱۰۲	۰/۱۵۷	۰/۰۷۸	۱/۵۳	۰/۱۲۶
حضور منفی	۰/۱۹۹	۰/۰۳۹	۰/۰۳۴	۰/۰۸۴	-۰/۲۸۳	-۰/۱۷۱	-۳/۳۷	۰/۰۰۱
مکانیسم‌های دفاعی روان آزرده								
متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	ADJ. R^2	S.E	B	β	T	sig
تأمین‌کنندگی	۰/۱۸۶	۰/۰۳۵	۰/۰۳۲	۰/۰۹	-۰/۳۳	-۰/۱۸۶	-۳/۶۹	۰
مکانیسم‌های دفاعی رشد نایافته								
متغیرهای پیش‌بین	R	R^2	ADJ. R^2	S.E	B	β	T	sig
حضور مثبت	۰/۱۲۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۴	۰/۲۳۷	-۰/۶	-۰/۱۲۸	-۲/۵۲	۰/۰۱۲

اجتماعی هم بالا می‌رود. همچنین حضور منفی پدر نیز با تمام عوامل روابط موضوعی یعنی بیگانگی، دل‌بستگی ناایمن، خود میان بینی و بی‌کفایتی اجتماعی رابطه معنادار مثبت دارد به این معنا که با افزایش این عامل نمرات خرده مقیاس‌های روابط موضوعی هم بالا می‌رود.

بنا بر مندرجات جدول ۲ مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته با خرده مقیاس‌های بیگانگی، دل‌بستگی ناایمن و بی‌کفایتی اجتماعی رابطه معنادار منفی دارد؛ به این معنا که هرچه میزان این مکانیسم‌ها افزایش پیدا می‌کند، سطوح روابط موضوعی در این خرده مقیاس‌ها کاهش می‌یابد؛ و در مقابل مکانیسم‌های دفاعی رشد نایافته تمام خرده مقیاس‌های روابط موضوعی یعنی بیگانگی، دل‌بستگی ناایمن، خود میان بینی و بی‌کفایتی اجتماعی همبستگی مثبت معنادار دارند. به عبارتی با افزایش میزان این مکانیسم‌های دفاعی، این خرده مقیاس‌ها نیز افزایش می‌یابند. در جدول زیر فاکتورهایی که با عوامل روابط موضوعی رابطه نداشتند حذف و برای تعیین سهم تفکیکی مکانیسم‌های دفاعی و عوامل پدری ادراک شده، سایر عوامل وارد معادله رگرسیون شدند و آزمون تحلیل رگرسیون خطی به شیوه گام‌به‌گام مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۳ شامل سهم تفکیکی متغیرهای حاضر در پیش بینی مؤلفه‌های روابط موضوعی است. بر اساس نتایج فوق در مدل دوم، حضور مثبت به همراه حضور منفی قادر به پیش‌بینی بیگانگی ($F=۱۳/۱۷$؛ $P<۰/۰۵$)می‌باشد. بدین ترتیب در میان عوامل مربوط به مقیاس پدری، حضور مثبت و حضور منفی توانایی پیش‌بینی‌کنندگی ۲۲/۹ درصد از واریانس مربوط به بیگانگی را داراست. در این مدل سایر عوامل مقیاس پدری به علت عدم توانایی تبیین معنادار واریانس حذف شده است. بنا بر مندرجات جدول، حضور منفی قادر به پیش‌بینی معنادار عامل دل‌بستگی ناایمن در روابط موضوعی نیز می‌باشد و با $F=۴/۴۷$ و سطح معناداری ۰/۰۵ قادر به تبیین ۹ درصد از واریانس دل‌بستگی ناایمن است. حضور منفی پدر همچنین، قادر به پیش‌بینی معنادار عامل خود میان بینی در روابط موضوعی نیز می‌باشد و با $F=۱۰/۹۸$ و سطح معناداری ۰/۰۵ قادر به تبیین ۱۶/۷ درصد از واریانس خود میان بینی است. در مورد عامل بیگانگی با توجه به مندرجات جدول، در مدل دوم، عامل حضور منفی به همراه تأمین کنندگی قادر به پیش بینی بیگانگی ($F=۶/۷۵$؛ $P<۰/۰۵$) می‌باشد. بدین ترتیب در میان عوامل مربوط به مقیاس پدری، تأمین‌کنندگی همراه با عامل حضور منفی توانایی پیش‌بینی‌کنندگی ۱۹/۴ درصد از واریانس مربوط به بی‌کفایتی اجتماعی را داراست.

جدول ۴ شامل سهم تفکیکی متغیرهای حاضر در پیش بینی مؤلفه‌های مکانیسم‌های دفاعی است. بر اساس نتایج فوق در مدل دوم، حضور مثبت به همراه حضور منفی قادر به پیش بینی

Journal of Police Medicine
Spring 2016; Vol. 5, No. 1: 17-30

(P<۰/۰۵ ؛F=۷/۸۰) عامل بیگانگی می‌باشد. بدین ترتیب در میان عوامل مربوط به مقیاس پدری، حضور مثبت و حضور منفی توانایی پیش‌بینی کنندگی ۱۷/۱ درصد از واریانس مربوط به مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته به‌صورت عکس را داراست. بنا بر مندرجات جدول، عامل تأمین‌کنندگی قادر به پیش‌بینی معنادار مکانیسم‌های دفاعی روان آزرده می‌باشد و با F=۱۳/۶۴ و سطح معناداری ۰/۰۵ قادر به تبیین ۱۸/۶ درصد از واریانس مکانیسم های دفاعی روان آزرده به صورت معکوس است. از طرف دیگر، حضور مثبت قادر به پیش بینی معنادار مکانیسم های دفاعی رشد نایافته می باشد و با F=۶/۳۷ و سطح معناداری ۱۲/۸ قادر به تبیین ۱/۴ درصد از واریانس مکانیسم‌های دفاعی رشد نایافته به‌صورت عکس است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده از داده های پژوهشی، میان والدگری ادراک شده فرد از پدر خویش و روابط موضوعی رابطه وجود دارد. همان طور که در توصیف پیشینه پژوهشی ذکر شد، نظریه‌پردازی‌های زیادی تأکید نموده‌اند که عدم حضور پدر در سنین ابتدایی و مراحل اولیه ادیپی، شکل گیری و تحول احساس خود، دنیای روابط موضوعی و الگوهای ارتباطی درونی و به تبع آن در روابط بعدی، الگوهای ارتباطی غالب کودک با دنیای خارج را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد [۳۰-۲۹]. بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده حضور مثبت پدر با عامل بیگانگی در روابط موضوعی رابطه معنادار منفی دارد. عامل بیگانگی بااحساس عدم ارتباط در روابط، ارتباطات بی ثبات و سطحی، مشکلات جدی در برقراری صمیمت، خشم و خصومت نسبت به دیگران و تنهایی و انزوا در ارتباط است که حضور مثبت پدر می‌تواند با کاهش این عوامل همراه باشد و حضور منفی وی باعث افزایش این عوامل گردد [۲۲]. به‌طورکلی می‌توان گفت حضور مثبت پدر می تواند ارتباطات فرد را تنظیم کند و این امکان را به وی می‌دهد که بتواند بر روی یک طیف حرکت کند که یک سر این طیف جدایی مفرط وجود دارد و سر دیگر آن صمیمیت و آمیختگی، که آنچه برای سلامت روان یک فرد مهم است این است که بتواند در روابطش فاصله سالمی را حفظ کند که نه از نزدیکی زیاد خفه شود و نه این‌که از دوری زیاد بمیرد. حضور مثبت پدر کمک می کند خشم خود را ابراز کند و هدف‌ها و توانایی‌های خودش را بشناسد که پیش‌نیاز روابط پخته با دیگران است که در آن هم تمایز وجود دارد و هم ارتباط تعاملی؛ و در نهایت پدر به ایجاد رابطه سه‌گانه استقلال روان‌شناختی، تشکیل من مستقل و جدایی از رفتارهای وابسته به والدین کمک کی کند. از دیگر سو بر مبنای نتایج به دست آمده از تحلیل داده ها، دو خرده مقیاس دل بستگی ناایمن و خود میان بینی با حضور منفی پدر رابطه معنادار مثبت دارند. بر این اساس احتمال می‌رود، این افراد در برقراری روابط بین فردی نگرانی بیشتری را نسبت به دوست داشته شدن و پذیرش توسط دیگران، تجربه کنند. هرچند برقراری ارتباط به لحاظ روان‌شناختی برای این افراد بسیار بااهمیت است، اما نگرانی، احساس گناه، حسادت و اضطراب، سبب بروز الگوهای ناسازگارانه و تکرارشونده‌ای همچون وابستگی بیش‌ازحد، چسبندگی و رفتارهای خود تخریبی در روابط آنان می‌گردد. جدایی، فقدان و تنهایی برای آن‌ها سخت و غیرقابل‌تحمل است و به‌شدت نسبت به احتمال رها شدن حساسیت داشته و در جستجوی اطمینان یافتن از وجود حمایت و صمیمت دیگران هستند. سطوح پایین درگیری عاطفی و گسستگی از ابژه می‌کشاند که این گسست از والدین با خشم همراه است، در واقع فرد از ابژه‌ها جدا می‌شود و به سمت یک چیز کاملاً متفاوت برای جبران می‌رود ولی این جدایی با خشم همراه است نه پختگی [۲۲]. حضور مثبت پدر توانایی‌های هیجانی فرد را ارتقا می‌دهد و نیازهای افراطی حمایت و تصدیق‌های محیطی کم می‌کند. همچنین نتایج نشان می‌دهد حضور منفی پدر با عامل خود میان بینی نیز رابطه معنادار مثبت دارد. بر این اساس این افراد ارتباطات خویش را بر مبنای تأمین نیازهای فردی خود سازمان می‌دهند، به شکلی که انرژی هیجانی اندکی را برای دیگران صرف می‌نمایند و بیشتر به اهداف شخصی خود مشغول هستند و الگوی ارتباطی آن‌ها شامل بدگمانی و عدم اعتماد نسبت به انگیزه‌های دیگران، بهره‌جویی فردی از روابط و دست‌کاری و سوءاستفاده از سایرین برای دستیابی به خواست شخصی خود می باشد، چنین افرادی در روابط بین شخصی خود همدلی اندکی ابراز می‌نمایند و نسبت به احساسات و برداشت دیگران کمترین آگاهی و نگرانی را از خود نشان نمی‌دهند. بیشاپ و لین (۲۰۰۰) گزارش کرده‌اند، عدم حضور پدر چه از لحاظ فیزیکی و چه از لحاظ روانی به شکل آسیب زننده ای، فرایند شکل‌گیری ساختار خود و شبکه روابط موضوعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ آن‌ها همچنین نتیجه گرفتند عامل بی‌کفایتی اجتماعی با عوامل حضور منفی پدر و تأمین‌کنندگی رابطه معنادار مثبت داشت [۳۱]. این افراد کمتر به برقراری ارتباط با دیگران تمایل دارند و معمولاً از روابط اجتناب می‌کنند و از طرف دیگر خجالتی و عصبی بودن ویژگی بارز این افراد است و در روابط خود دچار تردید هستند [۲۲]. پژوهش‌های فراوانی تأکید کرده‌اند، در خانواده‌هایی که سطح اجتماعی- اقتصادی پایین‌تری دارند، نتایج نامطلوبی در فرایندهای تحولی کودکان دیده می شود. سالاری (۱۳۷۴) در پژوهش خود دریافت بیش از آن‌که داشتن یا نداشتن پدر در ایجاد اختلالات رفتاری کودکان مورد بررسی او، تحت حمایت کمیته امداد بودند، اهمیت داشته باشد، عامل اصلی و تأثیرگذار در بروز این گونه

مجله طب انتظامی
بهار ۱۳۹۵- دوره ۵- شماره ۱- صفحات ۳۰-۱۷

اختلالات در این گروه، شرایط نابسامان اقتصادی است. این کودکان از تقویت های سایر کودکان محروم اند و از مشکلات مختلفی از جمله افسردگی رنج می برند، لذا توانایی ایجاد تعامل و ارتباطات سازنده را ندارند [۳۲]. پژوهشگران نشان دادند که ممکن است سیستم حمایت اجتماعی – اقتصادی کافی از طرف پدر ممکن است آثار منفی عملکرد تحصیلی کودکان را تعدیل کند. به نظر می‌رسد حمایت اجتماعی موجود برای چنین خانواده هایی، به آن ها کمک می کند تا به طور کارآمدتری با مشکلات همراه با پرورش کودکان، مقابله کنند [۳۴ و ۳۳]. همچنین ازآنجاکه حمایت اجتماعی همواره در برابر مشکلات، به‌عنوان عامل تسکین‌دهنده، تعدیل‌کننده و حتی تقویت‌کننده عمل می‌کند، پژوهش‌های بسیاری درباره کودکانی که پدر خود را در جنگ از دست داده‌اند (فرزندان شهدا) یا کودکانی که پدرانشان به دلیل مجروحیت یا بیماری قادر به تأمین نیازهای اقتصادی نیستند، وضعیت مثبت شبکه حمایتی این خانواده‌ها و ارائه حمایت های اجتماعی و اقتصادی توسط نهادهای اجتماعی ذی‌ربط سبب می گردد، احساس امنیت در این کودکان بیشتر بوده و مشکلات روانی مشاهده‌شده در آن‌ها تفاوت های معناداری با سایر کودکان نداشته باشد [۳۵]. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این مهم است که مکانیسم های دفاعی رشد یافته با حضور مثبت پدر و مکانیسم های دفاعی رشد نایافته با حضور منفی پدر رابطه معنادار مثبت دارد و برعکس؛ و از طرف دیگر مکانیسم‌های دفاعی روان آزرده با عامل تأمین کنندگی رابطه معنادار منفی دارد. پژوهش ها نشان می‌دهند که عدم حضور هریک از والدین چه از لحاظ فیزیکی و چه از لحاظ روانی تعادل روانی فرزندان را بر هم زده و آثار سویی بر رشد طبیعی فرزندان می‌گذارد [۲۰].

در طی دهه‌های گذشته بر اهمیت نقش پدر در خانواده و در سلامت روانی کودکان علاوه بر نقش مادر تأکید شده [۳۷-۳۶]. پدر نقش مهمی در خانواده داشته و حضور وی در رشد عاطفی-اجتماعی کودکان بسیار مؤثر است. پدرانی که ارتباط مؤثر و مثبتی با کودکانشان داشته، زمان بیشتری با آن‌ها می‌گذرانند و ارتباط گرم و نزدیکی با آن ها دارند، دارای فرزندانی با مشکلات رفتاری کمتر، رفتار اجتماعی قابل قبول تر، احساس کفایت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی بالاتری هستند [۳۸]. حضور پدر از سال‌های اولیه کودکی در کنار او، منجر به رشد توجه و تمرکز، انضباط عاطفی و شناخت اجتماعی در فرزندان شده [۳۹]، به افزایش سازگاری و کاهش پرخاشگری در پسران و کاهش اضطراب و افسردگی در دختران و پسران منجر می‌شود [۴۰] عدم حضور پدر می‌تواند به‌عنوان یک متغیر محیطی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم اثرهای ویژه‌ای بر رشد عمومی و ابعاد مختلف رفتار کودک در زمینه سلامت جسمانی، روانی و عملکرد تحصیلی داشته باشد [۴۱]. نتیجه پژوهش‌ها نشان می دهد که عدم حضور پدر در بسیاری از ابعاد به ویژه انگیزه پیشرفت، برتری‌جویی و علاقه به کسب مهارت، پشتکار و استقامت، تحمل وقایع منفی زندگی کودک را دچار نارسایی و ضعف می کند. همچنین باعث کاهش عزت نفس شده و این افراد در به تأخیر انداختن نیازها تحمل کمتری نشان می دهند، لذا مهارت های مقابله ای اجتماعی آن ها نیز پایین تر بوده و فراوانی اضطراب، افسردگی و رخدادهای عصبی بالاتری دارند [۴۰-۳۸].

همان‌گونه که در پژوهش‌های بسیاری تأیید شده است، بازنمایی‌های خود و دیگران یا همان کیفیات روابط موضوعی نقش مهم و کلیدی در درک آسیب‌شناسی روانی، نظام یافتن شخصیت در قالب تنظیم عواطف، شناخت و رفتار و ماهیت تغییرات درمانی ایفا می‌کند [۴۴]. مطابق با دیدگاه های نظریه پردازان روابط موضوعی به عنوان چارچوبی در نظر گرفته می شود که در قالب آن، شکل گیری و تفکیک اولیه ساختارهای روان شناختی- دربرگیرنده تصویر درونی خود و دیگران به‌عنوان موضوعات درونی- و چگونگی ظهور این ساختارهای درونی در موقعیت‌های بین شخصی، مورد بررسی قرار می گیرد [۴۵-۱۸]. در طی این فرآیند، فرد بازنمایی های ذهنی کودکانه خود از والدین را به‌عنوان چهره‌های همه توان قدرتمند از دست می‌دهد و بار دیگر رابطه درون روانی متناسب با سن خود را با آن‌ها شکل می‌دهد. در خلال این دوره رشد نوجوان شروع به ایجاد یک حس جدایی خویش از سیستم خانواده می‌نماید. این تغییرات تدریجی نوجوان را قادر می سازد به طور فزاینده ای در فرایند خودتنظیمی مستقل‌شده، در راه اهداف و توانایی‌های خود گام بردارد و تمایل به پذیرش مسئولیت پیدا کند که این امر، پیش‌نیازی برای روابط پخته‌تر با دیگران محسوب می‌شود. مشخصه خاص این روابط پخته، امکان برقراری تعامل دوجانبه با استفاده از دفاع‌های متناسب در روابط است. حرکت فرد به سوی یک سازش یافتگی سالم در انتخاب دفاع، به‌گونه‌ای تنگاتنگ، به دستیابی وی به روابط پایدار و مستقل، کمک می‌کند. ازاین‌رو، فرد در زمان‌های شکست یا استرس می‌تواند با استفاده از دفاع‌های پخته‌تر، روابط خود را حفظ کند.

در این میان، پدر به‌عنوان مرجع قدرت در روابط سه‌گانه مادر-کودک -پدر، نقش عمده ای در شکل گیری روابط موضوعی کودک ایفا می‌کند. پدر با ایجاد نوعی کشش و جاذبه، کودک را با دنیای واقعی که دربرگیرنده افراد، اشیاء و موضوعات گوناگون است، آشنا می‌سازد [۴۷]. ازاین‌رو، تجربه نوعی اتحاد رضایت‌بخش با پدر، عشق‌ورزی بدون تعارض با او و مورد عشق او واقع شدن، احساس بادوام و عمیقی از امنیت در برابر تهدیدات دنیای بیرونی را برای کودک فراهم می‌آورد و به او کمک می کند تا احساس استوار و محکمی

Journal of Police Medicine
Spring 2016; Vol. 5, No. 1: 17-30

نسبت به خود داشته باشد، بر این اساس نظریه‌پردازان روانشناسی خود، وجود پدری دوست‌داشتنی و همدل را منبع اساسی و مهمی برای تحول احساس یکپارچگی از خود، می‌دانند [۳۰]. ایجاد روابط بین فردی پایدار وابسته به والدین و تشکیل یک من مستقل برای نوجوان درگرو رفتارهای استقلال بخش و سالم والدین مخصوصاً پدر، قرار دارد. پدر الگوی رهایی از وابستگی، حرکت مستقل و زندگی فردی برای نوجوان محسوب می‌شود و اگر نقش والدگری خود را به‌طور مناسب انجام ندهد، این فرایند با مشکلات زیادی مواجه خواهد بود. از دیگر سو، شکل‌گیری مکانیسم‌های دفاعی پخته، مستلزم این است که فرد چه ابزاری را در طی دوره تحول در ارتباط با والدین خود، در مقابل استرس و اضطراب درونی کرده است.

مطابق با نظریه‌های موجود در این زمینه و در راستای ادبیات پژوهشی موجود، نتیجه پژوهش حاضر، بر اهمیت شکل‌گیری روابط موضوعی و مکانیسم‌های دفاعی در تحول فرد و نیز نقش اساسی پدر در جریان شکل‌گیری این تحول، صحه می‌گذارد. در این فرایند، والدگری پدر به‌عنوان تسهیل‌کننده فرایند، منجر به ایجاد بازنمایی درستی از واقعیت در ساختار روانی فرزند شده و او را به سمت سطوح مناسبی از روابط بین فردی و دفاع‌های پخته‌تر سوق می‌دهد در پژوهش حاضر نتایج بررسی داده‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که نزدیک به ۸۰ درصد مادران افراد گروه نمونه افراد خانه‌دار و با تحصیلات دیپلم و کمتر بوده‌اند که این امر می‌تواند در فرآیند ادراک افراد تأثیرگذار باشد. چراکه همان‌گونه که لکان اشاره دارد شغل یا تحصیلات مادر نیز می‌تواند نقش پدر را بر عهده بگیرد و به شکستن فضای همزیستی مادر و کودک کمک نماید [۱۴]. از طرف دیگر بیش از ۵۰ درصد افراد گروه نمونه متعلق به خانواده‌هایی با درآمد زیر یک‌میلیون تومان بودند که این امر می‌تواند نتایج را دچار سوگیری نماید به این معنا که نمونه حاضر منعکس کننده ویژگی‌های طبقه اقتصادی- اجتماعی خاصی باشد و لذا امکان تعمیم یافته‌ها به کل جامعه وجود ندارد. همچنین، این امکان وجود دارد که استفاده از مقیاس‌های خودسنجی و عدم امکان ارزیابی‌های کیفی، منجر به افزایش سوگیری در پاسخ‌های افراد حاضر در نمونه شده باشد.

با توجه به این امر که پژوهش حاضر عمدتاً تکیه بر نظریات تحلیلی دارد، استفاده از روش‌هایی مانند مصاحبه عمیق می‌تواند اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری در خصوص سازه‌های مورد بحث فراهم آورد. دوم اینکه در پژوهش حاضر، مقیاس پدری به‌منظور استفاده شد که پیشنهاد می‌شود به‌منظور شناخت دقیق‌تر پدر در فرهنگ ایرانی، این ابزار در پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین نظر به وجود خرده‌فرهنگ‌های گوناگون حاضر در جامعه ایرانی، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آتی نقش فرهنگ و باورهای قومی و فرهنگی در شیوه‌های والدگری پدران و تأثیرات آن بر ابعاد سلامت روان را مورد توجه قرار دهند.

سوم این‌که با توجه به نقش مادر در شکل‌دهی ادراک فرد از والدگری پدر، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی این عامل پرداخته شود.

با توجه به یافته‌های پژوهشی، وجود برخی از برنامه‌های آموزشی به‌منظور آموزش اهمیت والدگری پدران، ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است نتایج حاصل از چنین برنامه‌های آموزشی، تأثیر مستقیم در دستیابی جوانان به سطوح کارآمدتر روابط و مکانیسم‌های دفاعی کارآمد و نیز افزایش سطح سلامت کلی جامعه خواهد داشت.

تشکر و قدردانی

در پایان از معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی و همچنین از آزمودنی‌های شرکت‌کننده در مطالعه حاضر که در اجرای این طرح نهایت همکاری را مبذول داشتند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

منابع

1. Saint Clair M. An Introduction to Object Relations and Self-Psychology. Translated By Tahmasb Ar. Aliaghae H. Tehran. Nashr Ney. 2008. (Persian)
2. Andersen B, Lavoie Jc, Dunkel Cs. Individuation and Parents as People: Measurement Concerns Regarding Two Aspects of Autonomy. Journal of Adolescence. 2007; 30(5):751-60.
3. Lamb Me, Lewis C. The Development and Significance of Father–Child Relationships in Two-Parent Families. The Role of the Father in Child Development. 2004:2727.
4. Sieber D. Engaging Absent Fathers in the Treatment of Children. Clinical Social Work Journal. 2008; 36 (4):333-40.
5. Etchegoyen A. Psychoanalytic Ideas about Fathers. New Library of Psychoanalysis. 2002:20-42.
6. Target M, Fonagy P. Fathers in Modern Psychoanalysis and In Society: The Role of the Father and Child Development. New Library of Psychoanalysis. 2002:45-66.
7. Mansour M, Dadsetan P. M. Mansour, P. Dadsetan. Genetic Psychology Ii from Psychoanalysist to Ethology. Tehran: Roshd Publisher. 2011. (Persian)
8. Afzali Mh, Fathi Ashtiani A, Azadfallah P, The Study Of Defense Styles & Mechanisms In Patients With Obsessive -Compulsive Disorder, Generalized Anxiety Disorder & Social Phobia Disorder. Journal

of Clinical Psychology 2009; 1(1): 79-93.
9. Cramer P. Defense Mechanisms in Psychology Today: Further Processes for Adaptation. American Psychologist. 2000 Jun; 55(6):637.
10. Alibakhshi, Z. The Relationship between Defense Mechanism Styles with Narcissistic Personality Disorder. Tehran. Shahid Beheshti University Press 2007. (Persian)
11. Bond M, Perry Jc. Long-Term Changes In Defense Styles With Psychodynamic Psychotherapy For Depressive, Anxiety, And Personality Disorders. American Journal of Psychiatry. 2004; 161(9): 1665-71.
12. Plantin L, Olukoya Aa, Ny P. Positive Health Outcomes Of Fathers'involvment In Pregnancy And Childbirth Paternal Support: A Scope Study Literature Review. Fathering. 2011; 9(1):87.
13. Kohut H. The Restoration of the Self. Reprint Edition. Chicago. University Of Chicago Press; 2014
14. Freud S. The Dissolution Of The Oedipus Complex. Standard Edition. 1924;19:173-9.
15. Flouri E. Fathering and Child Outcomes. First Edition. New York: John Wiley & Sons. 2005
16. Cath S.H, Gunsberg G.L, Gurwitt A.R. Fathers And Their Families. Hillsdale Nj: Analytic Press. 1989
17. Reimer T, Wilson Se. Cross- Cultural Perspectives on Fatherhood. In Fatherhood & Families in Cultural Context. Editors: F.W. Bozett & M.H. Hanson. Ny: Springer. 1991; 1-27.
18. St. Calair M. Wigren J. Object Relations and Self Psychology: An Introduction.4th Ed. London. Brooks Cole. 2003
19. Liebman Sj, Abell Sc. The Forgotten Parent No More: A Psychoanalytic Reconsideration Of Fatherhood. Psychoanalytic Psychology. 2000; 17(1):88.
20. Blos, P. Son and Father.Journal of the American Psychoanalytical Association. 1984; 32: 301-324.
21. Bell M, Billington R, Becker B. A Scale for the Assessment of Object Relations: Reliability, Validity, and Factorial Invariance. Journal of Clinical Psychology. 1986; 42(5): 733-41.
22. Bell Md. Bell Object Relations and Reality Testing Inventory: Borrti. Western Psychological Services; 2007.
23. Huprich Sk, Greenberg Rp. Advances In The Assessment Of Object Relations In The 1990s. Clinical Psychology Review. 2003 Oct 31; 23(5):665-98.
24. San Martini P, Roma P, Sarti S, Lingiardi V, Bond M. Italian Version Of The Defense Style Questionnaire. Comprehensive Psychiatry. 2004; 45(6):483-94.
25. Heidarinasab, L. The Comparison Of Defense Mechanism In Clinical And Nonclinical Samples Based On Psychometric Norms And Findings Of Iranian Defense Mechanism Styles Questionnaire. [Thesis] Tehran, Tarbiat Modares University. 2007. (Persian)
26. Dick Gl. The Fatherhood Scale. Research on Social Work Practice. 2004; 14(2):80-92.
27. Famini, M. The Role of Fathering On Separation-Individuation Considering Attachment Style in Undergraduate Students. Tehran. Shahid Beheshti University 2012. (Persian)
28. Tabachnick B.G, Fidell L.S. Using Multivariate Statistics. 5th Ed. Boston. Allyn and Bacon. 2007
29. Blos P. Son and Father. Journal of the American Psychoanalytical Association. 1984; 32: 301-324.
30. Liebman Sj, Abell Sc. The Forgotten Parent No More: A Psychoanalytic Reconsideration Of Fatherhood. Psychoanalytic Psychology. 2000; 17(1): 88-105.
31. Bishop J, Lane Rc. Father Absence and the Attitude of Entitlement. Journal of Contemporary Psychotherapy. 2000; 30(1): 117-150.
32. Salari, A. Effect of Absence of Parents (Father) In Behavioral Disorders of Elementary School Children Who Are Covered By Tehran Imam Khomeini Committee. [Thesis] Tehran, Allameh Tabatbae University 1996. (Persian)
33. Cramer P. Personality Change In Later Adulthood Is Predicted By Defense Mechanism Use In Early Adulthood. Journal of Research in Personality. 2003; 37(1): 76–104
34. Shinn M. Father Absence and Children's Cognitive Development. Psychological Bulletin. 1978; 85(2): 295-324.
35. Mccurdy Sj, Scherman A. Effects Of Family Structure On The Adolescent Separation-Individuation Process. Adolescence. 1996; 31(122): 307- 319.
36. Lamb Me, Lewis C. The Development and Significance of Father-Child Relationships in Two-Parent Families. In The Role of the Father in Child Development (Fifth Edition) Editor Lamb Me. Hoboken Nj: Wiley. 2010: 94-153
37. Lamb M.E. The Role of Father in Child Development. 5th Ed. New York City. Wiley.2010

Journal of Police Medicine
Spring 2016; Vol. 5, No. 1: 17-30

38.Amato Pr, Gilbreth Jg. Nonresident Fathers and Children's Well-Being: A Meta-Analysis. Journal of Marriage and the Family. 1999; 557-573.

39.Parke Rd, Mcdowell Dj, Kim M, Killian C, Dennis J, Flyr Ml, Wild Mn. Fathers' Contributions To Children's Peer Relationships. Handbook of Father Involvement: Multidisciplinary Perspectives. 2002; 141-167.

40.Earls F. The Fathers (Not the Mothers): Their Importance and Influence with Infants and Young Children. Psychiatry. 1976; 39(3): 209-26.

41.Neisi, Ak. Najarian, B. Pourfaraji, F. The Comparison Of Educational Achievement, Mental And Physical Health Between Ahvaz High School Students Who Have Father And Who Don't Have Considering The Regulator Role Of Social Support. Journal of Educational Science and Psychology, Ahvaz University 2001.3(3, 4): 67-86. (Persian)

42.Kasen S, Cohen P, Brook Js, Hartmark C. A Multiple-Risk Interaction Model: Effects of Temperament and Divorce on Psychiatric Disorders in Children. Journal of Abnormal Child Psychology. 1996; 24 (2):121-150.

43.Mott Fl, Kowaleski-Jones L, Menaghan Eg. Paternal Absence And Child Behavior: Does A Child's Gender Make A Difference? Journal of Marriage and the Family. 1997; 103-118.

44.Porcerelli Jh, Shahar G, Blatt Sj, Ford Rq, Mezza Ja, Greenlee Lm. Social Cognition And Object Relations Scale: Convergent Validity And Changes Following Intensive Inpatient Treatment. Personality And Individual Differences. 2006; 41(3):407-17.

45.Greenberg Jr. Object Relations Theory In Psychoanalytic Theory. Cambridge. Ma. Harvard University Press.1983

46.Etchegoen A. Psychoanalytic Ideas about Father. In "The Importance of Father: A Psychoanalytic Re-Evaluation". Editors: Trowell J, Etchegoen A. 20-41. New York Brunner/Routledge. 2002: 20-41.

مجله طب انتظامی
بهار ۱۳۹۵- دوره ۵- شماره ۱- صفحات ۳۰-۱۷